

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
The Types of 'Natural Landscape' Represented in Saadi's Poetry
(Reviewing the Quality Presence of 'Desert' (Sahra/Sahara) in these Poems)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

گونه‌های بازنمایی منظر طبیعی (بررسی کیفیت حضور واژه صحرا در اشعار سعدی)

حمیدرضا شبیبانی^{۱*}، علی اکبر نصرآبادی^۲، مریم ستوده‌نیا^۳

۱. گروه معماری و شهرسازی، دانشکده فنی و حرفه‌ای شهید باهنر، شیراز، ایران.

۲. معمار و نقاش، دانش‌آموخته لوئیزیانا، آمریکا.

۳. کارشناسی‌ارشد معماری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی، آپادانا، شیراز، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ اصلاح: ۹۹/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۷/۱۰

چکیده

نخستین گام برای فهم معنی عبارات و ابیات در متون، پی بردن به معانی صحیح و ترکیبات به‌کاررفته در آنهاست. در این مقاله به مضامین و مفاهیم واژه صحرا در کلیات سعدی پرداخته شده است. ضمن بررسی مترادف‌های معنایی این واژه در فرهنگ لغت، به برداشت متون و غزلیات سعدی که واژه صحرا در آنها به کار رفته، نیز پرداخته شده است. پژوهش پیش رو می‌کوشد با مقایسه مضامین به‌کاررفته این واژه در کلیات سعدی و مترادف‌های معنایی آن در فرهنگ لغت، به هدف نشان‌دادن جلوه‌ای نو از واژه «صحرا» ناقل شود. امروزه واژه صحرا اغلب تداعی‌گر محلی بی‌آب و علف و مسیری بس طولانی و طاقت‌فرساست؛ چنین مفهومی در زمانه سعدی، تداعی‌گر مسیر رسیدن به حرم عشق یعنی «کعبه» بوده است. درحالی‌که در همان زمان، واژه صحرا در ذهن اغلب عوام یادآور تفرجگاهی سرسبز و پر آب و علف بوده است و همگان میل به گذراندن اوقات فراغت خویش در آنجا داشته‌اند. این پژوهش به بررسی مضامین واژه صحرا در کلیات سعدی و نیز هم‌نشینی دیگر واژگان با واژه صحرا به روش تحلیل محتوا پرداخته است. این مقاله با هدف واکاوی و تبیین نگاه سعدی به منظر صحرا، تلاش دارد به بیان تفاوت‌های ذهنی و بوم‌شناسانه جامعه ایرانی بپردازد. یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد در سروده‌های سعدی، تفاوت‌های دیدگاه منظری نهفته است.

واژگان کلیدی: منظر، صحرا، اشعار سعدی.

مقدمه

نیستند. با دسته‌بندی این واژگان با مضامینی دیگری نیز آشنا شدیم. در پژوهش حاضر سعی شده به دو پرسش ذیل پاسخ داده شود: چه مضامینی تحت عنوان واژه صحرا در اشعار سعدی به کار رفته‌اند؟ تفاوت‌های تصویر ذهنی واژه صحرا با مترادف‌های معنایی این واژه در اشعار سعدی چیست؟ هدف اصلی این مقاله، واکاوی مفاهیم و مضامین واژه صحرا در دوران سعدی با عصر حاضر است. آنچه ضرورت توجه به این پژوهش را آشکار می‌کند، فقدان مقایسه نمونه‌های کافی پیرامون مضامین به‌کاررفته در دوران کهن و امروز است، که سبب می‌شود تصویر دقیق و مشخصی از منظر واژگان در اختیار نداشته باشیم. نتایج این پژوهش در افزایش دانش منظرشناسی و درک بهتر کیفیت حضور واژه صحرا در اشعار سعدی مفید است و تصویر روشنی را از مفاهیم واژه صحرا در دوران سعدی و تفاوتش با معنای امروزی به نمایش می‌گذارد، در نتیجه انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

منظر طیف گسترده‌ای از معانی را از بیان عمومی آن به بیان جغرافیایی، منطقه‌ای و محلی گسترش می‌دهد (Turner & Gardner, 2015, 1). در پژوهش پیش رو، بازنمایی یکی از مناظر طبیعی در اشعار سعدی بررسی شده است؛ از این جهت ضمن برگزیدن واژه «صحرا»، در پی یافتن تفاوت‌های مضمون این واژه در دوران سعدی با دوران کنونی هستیم. در راستای تبیین مضامین به کار رفته واژه صحرا در کلیات سعدی، نخست به برداشت آن دسته از متون و غزلیات سعدی که واژه صحرا در آنها به کار رفته، پرداخته شده است. ضمن بررسی معنایی این واژه در فرهنگ لغت، اقدام به سنجش مشتقات این واژه در اشعار سعدی شد که برخلاف انتظار دریافتیم همگی تداعی‌گر یک معنا

* نویسنده مسئول: hamidrezasheibani1@gmail.com، ۰۹۱۷۰۴۰۰۹۰۴

پیشینه تحقیق

اندک پژوهشی در شناخت و تفسیر منظر طبیعی در اشعار سعدی صورت گرفته است. «امینی» و «محمودی» در پژوهشی تحت عنوان «طبیعت در اندیشه سعدی» به بررسی کلیات تشبیهات آثار سعدی که یکی از عناصر طبیعت به عنوان مشابه به آنها به کار رفته، پرداخته‌اند. استدلال و نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که طبیعت در آثار سعدی نه فقط به دلیل طبع خوش‌باشی و طبیعت‌دوست سعدی، بلکه به عنوان ابزاری در جهت تبیین اندیشه‌های شاعر به کار رفته است (امینی و محمودی، ۱۳۹۵). همچنین «فرزین» و «هاشمی‌زادگان» در مقاله‌ای تحت عنوان «تفسیر مقام باغ در شعر سعدی» به تفسیر مقام باغ از نگاه سعدی پرداخته‌اند (فرزین و هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵). در این میان پژوهشی که به تفسیر مقام صحرا از نگاه شاعران طراز اول در ادبیات فارسی (خیام، حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی) پردازد، وجود ندارد، در نتیجه این پژوهش می‌کوشد به تفسیر مقام صحرا از نگاه سعدی پردازد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیل محتوا انجام شده و اطلاعات لازم، ابتدا واژه صحرا به صورت دیجیتالی از «سامانه گنجور» و سپس تطبیق و تدقیق آن با کتاب بوستان سعدی به تصحیح و توضیح «غلامحسین یوسفی»، نشر خوارزمی، کتاب گلستان سعدی به تصحیح و توضیح «غلامحسین یوسفی»، نشر خوارزمی، کلیات سعدی به تصحیح «محمدعلی فروغی»، نشر هرمس، جهت کنترل صحت و همچنین شناسایی پراکندگی و فراوانی ابیات انجام شده است. همچنین روش تحقیق به صورتی است که ابتدا مترادف‌های واژه «صحرا» در فرهنگ لغت استخراج شده و به بررسی هم‌نشینی‌های دیگر واژگان با واژه مذکور در کلیات سعدی پرداخته شده، سپس از طریق تطبیق مضامین قدیم و امروزی واژگان، تحلیل و شناسایی شده است.

سعدی

تاکنون پژوهشی در باب پرسش از معنا و مفهوم صحرا در میان گنجینه ارزشمند اشعار سعدی، به تفصیل انجام نشده است. خرد و اندیشه سعدی دارای ویژگی‌های شاخص و منحصر به فردی است، که این مهم در موضوع این پژوهش بسیار مؤثر خواهد بود. «سعدی دوست‌دار طبیعت است، روح با نشاط او با کنج خانه نشستن و زانوی تعبد بغل گرفتن بیگانه است» (امینی و محمودی، ۱۳۹۵، ۳). همچنین «بیشتر شاعران ایران از جمله برجسته‌ترینشان (فردوسی، خیام، مولوی و حافظ) عزلت‌گزین بودند. تنها سعدی زندگی اجتماعی پویایی داشت، اهل معاشرت و مردی دنیادیده بود» (شایگان، ۱۳۹۳، ۸۸).

گر به دوری سفر از تو جدا خواهم ماند

شرم بادم که همان سعدی کوتاه نظرم

به قدم رفتم و ناچار به سر باز آیم

گر به دامن نرسد چنگ قضا و قدرم

از قفا سیر نگشتم من بدبخت هنوز

می‌روم وز سر حسرت به قفا می‌نگرم

(سعدی شیرازی، ۱۳۹۷، ۳۸۳)

یکی از گویاترین تعاریف از چگونگی زندگی سعدی شیرازی، از دولت‌شاه سمرقندی است که می‌نویسد: او ۳۰ سال تحصیل علم کرده، ۳۰ سال مسافرت کرده و ۳۰ سال بر سجاده طاعت نشسته و ۱۲ سال سقائی کرده و راه و طریق مردان پیش گرفته است. اگر این سال‌ها را با هم جمع کنیم، سن سعدی ۱۰۲ سال می‌شود که تنها در چند سالی از سنوات، اندکی اغراق دیده می‌شود (صفا، ۱۳۸۹، ۳۶۹). سخن سعدی شیرین و نمکین و در عین حال فصیح و بلیغ است (زرین‌کوب، ۱۳۴۷، ۲۵۲). از آنجا که سعدی سالیان درازی در سفر و سیاحت بوده، به نظر می‌رسد صحراهای بی‌شماری پیش چشم داشته و نگاه شاعرانه وی به «صحرا» در این سفرها شکل گرفته است. پژوهش حاضر به بررسی این مهم خواهد پرداخت.

کیفیت حضور واژه صحرا در اشعار سعدی

شعر در لغت به معنی داشتن فهم و ادراک است. برای شعر، تعاریف گوناگونی ارائه شده است و در تعریف آن گفته‌اند کلامی است موزون و مقفی که دارای معنی باشد (رستگار فسایی، ۱۳۷۳، ۳۹). شعرا نگرش خاص خود را از طریق فضای شعر خود به دیگران منتقل می‌کنند و چون انسان‌ها دارای قالب‌های فکری مختلف هستند، هر کدام نگرش خاص خود را دارند. نتیجه این امر ایجاد زبان‌های گوناگون در شعر خواهد بود که هر کدام تنها مختص به یک فرد است و به راحتی می‌توان آنها را از هم تمییز داد (خامسی هامانه، ۱۳۹۲، ۱۶۱). در نظام واژگانی هر زبان، کلماتی وجود دارند که در معانی گوناگون به کار گرفته می‌شوند. پی‌بردن به وجوه معنایی چنین واژگانی شرط لازم برای فهم متون است. واژه «صحرا» یکی از واژگانی است که در معانی گوناگون در اشعار سعدی به کار رفته است، اما برخی از این معانی تاکنون تبیین نشده و در باب کارکردهای این کلمه، پژوهشی صورت نگرفته است. بی‌تردید سعدی پدیدآورنده زبان فارسی نیست، بلکه خود در درون این زبان پرورش یافته است؛ آنچنان که «محمدعلی فروغی» در مقدمه کلیات سعدی به این مهم اشاره کرده است: «اهل ذوق اعجاب می‌کنند که سعدی ۷۰۰ سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است، ولی حق این است که ما پس از ۷۰۰ سال به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم» (همان، ۸). پژوهش حاضر نخست با مراجعه به فرهنگ لغت، به

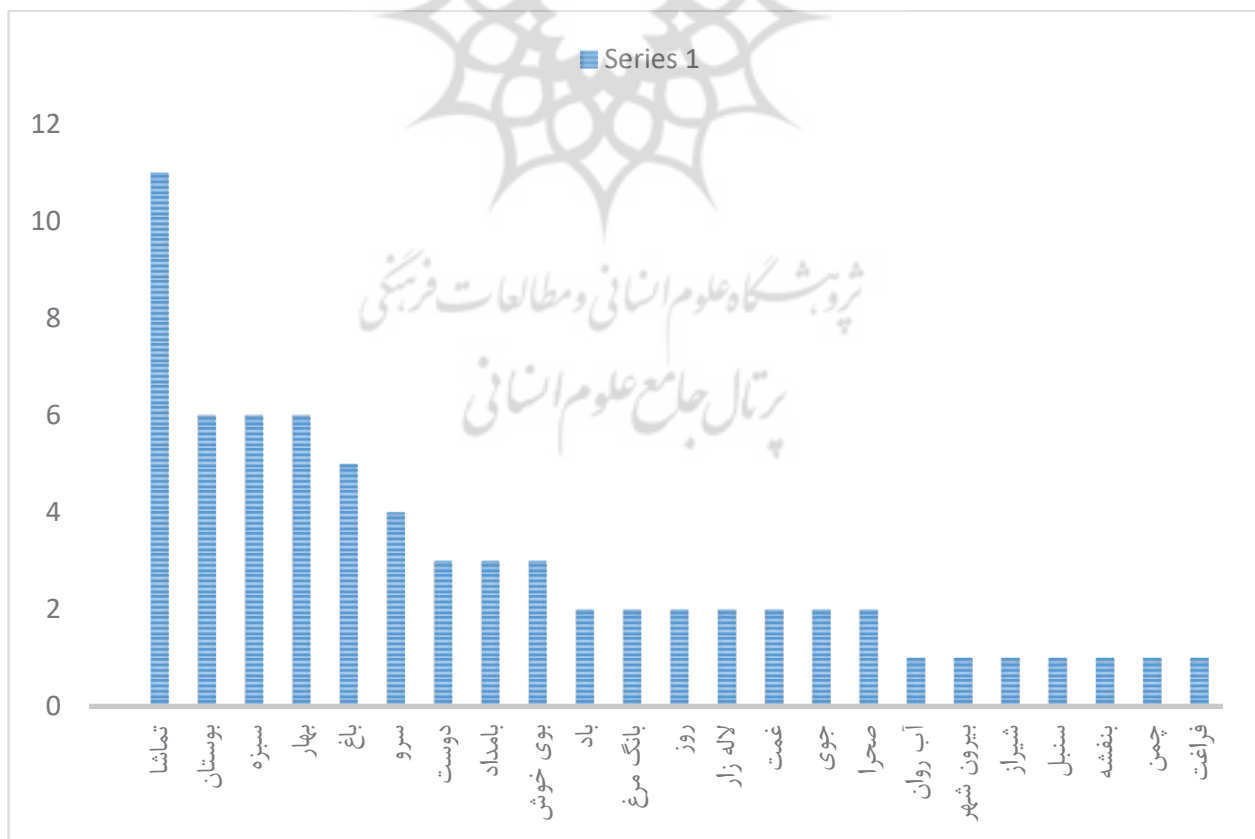
معنای محل تماشا: «هر کس به تماشایی رفتند به صحرائی». صحرا به مضمون محشر تنها در دو مصرع به کار رفته است: «کسی دید صحرای محشر به خواب» یا مصرع: «و زان جا به صحرای محشر برد». صحرا به مضمون عشق و دلبری در مصرع: «حدیث عشق بر صحرا فکندم»؛ آمده است که در کل به مفاهیم ناز و دلبری، دل ربودن، حدیث عشق و از بهر عشرت به کار رفته است. صحرا به همراه اسامی افراد، در «سالوک صحرانورد» و «بهرام صحرانشین» به کار رفته است (جدول ۲)؛ (تصویر ۱).

همنشینی‌های واژه صحرا در اشعار سعدی

واژه «هامون» در هفت بیت با مضامین متفاوت در شعر سعدی به کار گرفته شده است: «عجب می‌دارم از هامون که چون دریا نمی‌باشد/سفر کرده هامون و دریا بسی/نه هامون و دریا و کوه و فلک/چه هامون و کوهت چه سنگ و رمال/نه هامون نوشت نه دریا شکافت/یکی سیل رفتار هامون نورد». که به ترتیب در مفاهیم در مقابل دریا، دنیا دیده، کل دنیا، هیچ یک و هامون نورد آمده است. واژه «بادیه» در ۱۲ بیت از اشعار سعدی تحت عنوان مفاهیم مختلف کاربرد داشته است.

ارائه خلاصه مفاهیم در جدول ۱ پرداخته است و سپس به بررسی دیگر واژگان همنشین یا مترادف با واژه «صحرا» در اشعار سعدی می‌پردازد.

واژه «صحرا» با مضمون تفرجگاه در ۶۱ بیت از اشعار سعدی چون: «هنگام نشاط و روز و صحراست»؛ به کار رفته است. در این ابیات، صحرا مکانی در بیرون شهر است و شامل عناصری چون سبزه، نشاط، گل، سنبل، جوی، بنفشه و لاله‌زار می‌شود. صحرا به مضمون محل خلوت در ابیاتی چون «تنگنای خلوتم خاطر به صحرا می‌کشد» به کار رفته است. صحرا به مفهوم کنج خلوت نیز اشاره می‌کند. باغ و همنشینی‌اش با واژه صحرا در ابیاتی از قبیل: «به دیگران بگذاریم باغ و صحرا را»، به تصویر کشیده شده است. همنشینی واژه صحرا با واژگانی چون دوست، مردم، تو، جوانان، دل‌آرام و نهایتاً من و تو در کلام سعدی دیده می‌شود. نمونه‌ای از این دست، بیت ذیل را می‌توان یاد کرد: «عهد کردیم که بی‌دوست به صحرا نرویم». در باب زمان رفتن به صحرا گفته شده: «خواهم که بامدادی بیرون روی به صحرا». در ابیات مشابه این بیت نیز وقت رفتن به صحرا، بهار، هنگام غمگینی، روز و شب، نوروز، هنگام فراغت، بامداد (صبحگاه) بیان شده است. صحرا به



تصویر ۱. فراوانی لغات همنشین با واژه صحرا در اشعار سعدی. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. معانی واژه بیابان در فرهنگ لغت. مأخذ: انوری، ۱۳۸۶، ۷۲۹ و نصری اشرفی، ۱۳۸۱، ۳۵۵.

معانی واژه بیابان در فرهنگ لغت				
صحرا	صحرای محشر	هامون	دشت	بیابان
بیابان	محل تجمع مردم در روز قیامت	زمین هموار	دشت و صحرائی	صحرا
مکانی خارج از شهر	گفتگو: مجاز از جمعیت انبوه	صحرای بی آب و علف	ساخته شده در دشتستان	زبان تبری: جای دور
مجاز از میدان جنگ		مجاز از خشکی و دریا	اهل دشت (جنوب ایران)	
		مجاز از زمین و آسمان	موسیقی ایرانی	
			اولین دریافتی کاسب	
		مجاز از بیرون از شهر	دریافتی قبل از مزد اصلی (بیعانه)	

جدول ۲. کیفیت حضور واژه صحرا در اشعار سعدی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	صحرا به مضمون	مفهوم استخراج شده از ابیات
۱	تفرجگاه	بیرون شهر، سبزه، نشاط، گل، سنبل، جوی، بنفشه، لاله‌زار
۲	محل خلوت	کنج خلوت
۳	باغ و همنشینی با صحرا	باغ و صحرا
۴	مخاطب همراهی در صحرا (به صحرا رفتن)	دوست، مردم، تو، جوانان، دلارام، من و تو
۵	وقت صحرا	بهار، هنگام غمگینی، روز و شب، نورو، هنگام فراغت، بامداد (صبحگاه)
۶	محل تماشا	صحرا و تماشا
۷	محشر	صحرای محشر
۸	عشق و دلبری	ناز و دلبری، دل ربودن، حدیث عشق، از بهر عشرت
۹	اسامی افراد	سالوک صحرانورد، بهرام صحرانشین، صحرانشین

بادیه به عنوان مکانی بی آب: «در بادیه تشنگان بگردند/ همچون درخت بادیه سعدی به برق شوق/ به راه بادیه دانند قدر آب زلال / گو تشنگان بادیه را جان به لب رسید/ در بادیه تشنگان به جان در طلبش». یا مکانی دارای خار مغیلان: «ای بادیه هجران تا عشق حرم باشد/ عشاق نیندیشند از خار مغیلان/ که نه در بادیه خار مغیلان بودم».

بادیه به عنوان مکانی که در آن سختی فراوان است: «هزار بادیه سهل است اگر بپیمایند/ هزار بادیه سهل است با وجود تو رفتن / به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل».

بادیه به عنوان مکان تنهایی: «آخر نه منم تنها در بادیه سودا/ یا مسافر که در این بادیه سرگردان شد».

مضامین گوناگون از واژه «دشت» نیز در ۲۰ بیت از اشعار سعدی به چشم می خورد. در این مورد نیز همنشینی این واژه با کوه،

در شعر سعدی دیده می شود: «به تگ زاله می ریخت بر کوه و دشت». دشت به عنوان مکانی در رفت و آمد نیز در نظر گرفته شده است: «شنیدم که عیسی درآمد ز دشت». در این ابیات از اقشار مختلفی از قبیل عیسی، دزد، تخت سلیمان و مسکین سخن گفته است. دشت در همنشینی با واژه «در» نیز دیده می شود: «به دیر آمدند از در و دشت و کوی». این واژه به عنوان مکانی در اطراف نیز به کار گرفته شده است: «بیا تا چه بینی بر اطراف دشت» (در مفهوم نخلستانی در اطراف جنوب). در نهایت واژه دشت در بردارنده مفاهیم دیگری نیز قلمداد می شود، که در مصرع‌های ذیل بدان‌ها اشاره می شود: «که خار دشت محبت گلست و ریحانست/ شنیدم که در دشت صنعا جنید/ قضا را خداوند آن پهن دشت». مفاهیم برداشتی از این ابیات به نوبت شامل دشت محبت، دشت صنعا و پهن دشت است. واژه «بیابان»

در باب واژه «صحرا»، در فرهنگ لغت و اشعار سعدی پرداخته شد. واژه صحرا علاوه بر معنای رایج امروزی دارای معانی دیگری نیز بوده است، که با جستجو در آثار گران قدر شاعر پارسی «سعدی شیرازی» بسیاری از این معانی را یافته و به بررسی جزء جزء هریک از آنها پرداخته شد. اغلب مفاهیم از واکوی این واژه در شعر سعدی، معانی بدیعی چون دشت و بوستان و تفرجگاه را در بر داشته است، از این رو هدف سعدی از تکرار چندین باره این لغت در اشعار خویش، اغلب به نمایش گذاشتن منظرهای دل نشین و فرح انگیز بوده است. مثلاً کلمه «صحرا» تداعی گر تفرجگاهی چون باغی فرح بخش بوده است و در بامدادان یا در موسم بهار اوقات فراغت را در آنجا می گذرانند. شایان ذکر است در تعدادی از اشعار وی، یکی از مترادف های معنایی این واژه در فرهنگ لغت، یعنی کلمه «بیابان» در جایگاه متفاوتی نسبت به معنای شایع واژه صحرا در شعر سعدی قرار داد؛ مثلاً در برخی از ابیات، وی، کلمه بیابان را در جایگاهی به کار برده که بیان گر مکانی مشقت زا یا حزن انگیز است. این واژه تصویر گر کنج عزلت، بیابان غفلت و سختی و تاریکی است که در برخی ابیات شعر سعدی، طی کردن بیابان اشاره به مشقت زا بودن مسیر تلقی می شود. دیگر مترادف واژه صحرا در فرهنگ لغت کلمه «هامون» است؛ که در شعر سعدی، تداعی گر فرد دنیا دیده یا در تضاد معنایی با دریا و نیز گاهی به مفهوم کل دنیا بوده است. واژه «دشت» نیز از دیگر مترادفات واژه صحرا در لغت نامه فارسی بوده که در اشعار سعدی

در ۳۵ بیت از ابیات سعدی در مضامینی چون: مکانی بی آب و علف، بیان شده است: « چون تشنه بسوخت در بیابان». همنشینی واژه بیابان و مردن در مصرع: «که بمردیم در بیابانش»، به چشم می خورد. صید بیابان نیز یکی از مفاهیم یافت شده از شعر سعدی عنوان می شود: «کعبه دیدار دوست صید بیابان اوست». بیابان به عنوان مکانی پرخطر نیز تداعی شده است: «مگر که راه بیابان پر خطر گیرند». بیابان عشق، در مفهوم آسان شدن مسیر بیابان به انگیزه حرم عشق (کعبه) به کار رفته است. بیابان به مفهوم کنج عزلت نیز در شعر سعدی رؤیت می شود: «یاران شنیده ام که بیابان گرفته اند». با توجه به ابیات دیگری از سعدی، ویژگی های کلی دیگری نیز می توان برای بیابان قائل شد. در ابیاتی چون «بیابانست و تاریکی بیا ای قرص مهتابم/ در بیابان غفلت افتاده» و از این قبیل مفاهیمی همچون بیابان و تاریکی؛ سر به بیابان گذاشتن، سختی و ترس خواب در بیابان، بیابان غفلت، غول بیابانی، روز مبادا، وجود گورخر، باران و سرما و سیل می توان استخراج کرد. واژه بیابان در معیت کلمه ای دیگر در واژه «بیابان نورد» به چشم می آید: «بیابان نوردی چو کشتی بر آب». بیابان در همنشینی با کوه نیز در سخن سعدی دیده می شود: «تا کوه و بیابان مشقت نبردیم» که در آن بیابان به مفهوم مشقت است (تصویر ۲)؛ (جدول ۳).

نتیجه گیری

در پژوهش پیش رو به تفاوت های ذهنی و بوم شناسانه مردم ایران



تصویر ۲. فراوانی مضمون های به کاررفته واژه بادیه، هامون، دشت و بیابان در ابیات سعدی. مأخذ: نگارندگان.

نیز با مضامینی تقریباً مشابه با فرهنگ لغت، یعنی کوه و دشت به کار رفته است. در نهایت واژه «بادیه» نیز از مترادف‌های واژه جدول ۳. کیفیت حضور مضامین بیابان در اشعار سعدی. مأخذ: نگارندگان.

هامون	بادیه	دشت	بیابان به مضمون	بیابان به مفهوم و ویژگی‌ها
در تضاد معنایی با دریا	بی‌آب	کوه و دشت	تشنگی	بیابان و تاریکی
به مفهوم دنیادیده	دارای خار مغیلان	دشت	طویل	سر به بیابان گذاشتن
کل دنیا	آسان شدن سختی	در و دشت	پایان پذیره	سختی و ترس
هیچ‌یک	تنهایی	اطراف دشت	مردن	بیابان غفلت
		خار دشت محبت	صید بیابان	غول بیابانی
		دشت صنعا	پرخطر	روز مبادا وجود گورخر
		پهن‌دشت	بیابان عشق	باران و سیل سرما
			کنج عزلت	مشقت
			بیابان‌نورد	
			بیابان و کوه	

فهرست منابع

- امینی، لاله و محمودی، سارا. (۱۳۹۵). طبیعت در اندیشه سعدی. *مجله علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی*، ۸ (۲۶ و ۲۷)، ۱-۱۶.
- انوری، حسن. (۱۳۸۶). فرهنگ بزرگ سخن. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- خامسی همامانه، فخرالسعدادات. (۱۳۹۲). جستاری در مشابهات معماری و ادبیات. نشریه چیدمان، ۲ (۴)، ۱۶۰-۱۶۷.
- رستگارفسائی، منصور. (۱۳۷۳). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۷). با کاروان حله. چاپ دوم. تهران: جاویدان.
- شایگان، دایوش. (۱۳۹۳). پنج اقلیم حضور (بحثی درباره شاعرانگی ایرانیان). تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- فرزین، احمدعلی و هاشمی‌زادگان، سید امیر. (۱۳۹۵). تفسیر مقام باغ در شعر سعدی. هنر و تمدن شرق، ۴ (۱۳)، ۳-۱۲.
- صفای، ذبیح‌الله. (۱۳۸۹). تاریخ ادبیات ایران ویژه نوجوانان و جوانان (جلد دوم). تهران: نشر تیرگان.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۹۷). گلستان سعدی، به تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: نشر خوارزمی.
- نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان تبری (جلد اول). تهران: نشر احیاء کتاب.
- Turner, M.G. & H. Gardner, R.H. (2015). *Landscape Ecology in theory and practice*. Berlin: pringer.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

شیبانی، حمیدرضا؛ نصرآبادی، علی اکبر و ستوده‌نیا، مریم. (۱۳۹۹). گونه‌های بازنمایی منظر طبیعی (بررسی کیفیت حضور واژه صحرا در اشعار سعدی). *مجله هنر و تمدن شرق*، ۸ (۲۹)، ۳۱-۳۶.

DOI: 10.22034/jaco.2020.221745.1149

URL: http://www.jaco-sj.com/article_115248.html

